

بسم الله الرحمن الرحيم

اثرات لقمه حرام بر روح و جسم

لقمه حرام

خداوند روح انسانی را خلق نمود و جسم را مرکبی برای او قرار داد تا خود را به تکامل و مقصد برساند، این مرکب (جسم و بدن) وابسته به عالم ماده است، ولی راکب (روح) به دنبال اهدافی والا و برتر است که هر چه موانع جسمانی بر سر راهش بیشتر باشد، در رسیدن به هدف...

اثرات لقمه حرام بر روح و جسم

خداوند روح انسانی را خلق نمود و جسم را مرکبی برای او قرار داد تا خود را به تکامل و مقصد برساند، این مرکب (جسم و بدن) وابسته به عالم ماده است، ولی راکب (روح) به دنبال اهدافی والا و برتر است که هر چه موانع جسمانی بر سر راهش بیشتر باشد، در رسیدن به هدف عاجزتر است و گناهان و معاصی از برترین موانع تکامل، به شمار می روند، چنانچه در فرازی از دعای کمیل آمده:

«و قعدت بی اغلالی»، گناهان و معاصی، مرا زمین گیر کرده اند.

در بین معاصی و گناهان، مال و لقمه حرام از ویژگی های خاصی برخوردار است از جمله:

۱- بر خلاف بعضی گناهان که انجام آنها موجب ضایع شدن «حق الله» می شود در ارتکاب لقمه حرام، علاوه بر «حق الله»، مسئله «حق الناس» هم وجود دارد.

۲- لقمه حرام جزئی از بدن و وجود انسان می شود و گوشت و پوست و استخوان از آن رشد و نمو می کند.

حضرت علی «علیه السلام» می فرماید:

«الحرام سحت» (۱)،

مال حرام خبیث و ناپاک است، و لذا کسانی که از خوردن مال حرام ابا و پروایی ندارند، سراسر وجودشان را خبثت و ناپاکی ها فرا می گیرد.

اثرات لقمه حرام بر روح و جان، دو گونه است، یکی اثراتی که به کل گناهان تعلق دارد که همان مخالفت با دستورات خداوند و تجاوز به حریم محرمات الهی است. دوم اثراتی که مخصوص لقمه حرام است و آن ضایع کردن حق الناس است. در روایات اثرات و مضراتی برای مال و لقمه حرام ذکر شده که به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

الف: اثرات عمومی

۱- از بین رفتن لذت و حلاوت عبادت و ایمان:

رسول گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله» می فرماید: «حرام علی قلوبکم ان تعرف حلاوه الايمان حتى تزهد فی الدنيا» (۲)، ممکن نیست که قلوب شما شیرینی و حلاوت ایمان و عبودیت را درک کند مگر اینکه از گناهان پرهیزید و زهد و تقوی پیشه کنید.

۲- زنگار زدن و تاریک شدن قلب:

از امام صادق «علیه السلام» نقل شده:

«ان القلوب لترین کما یرین السیف» (۳), همانا قلوب انسانها زنگار می گیرد، همانطور که شمشیر چینی می شود، و گناهان عامل مهمی در پیدایش این آفت، در قلوب انسانهاست.

۳- از بین رفتن حجب و حیا و کم رنگ شدن قبح گناهان:

در فرازی از دعای کمیل می خوانیم:

«اللهم اغفر لی الذنوب الی تهتک العصم», خداوند بر من ببخشای گناهانی را که پرده های حجب و حیا را می درند.

۴- سلب توفیق در انجام مستحبات:

امام صادق «علیه السلام» می فرماید:

«ان الرجل يذنب الذنب فيحرم صلاة الليل»(٤), گاهی اوقات، گناهی انجام می دهد که باعث محروم شدن از اقامه نماز شب می شود.

ب: اثرات مخصوص لقمه حرام

۱- عدم قبولی نماز تا چهل روز:

در حدیثی از پیامبر «صلی الله علیه و آله» نقل شده:

«من اكل لقمه حرام لم تقبل له صلوة اربعين ليلة»(٥), کسی که لقمه حرامی می خورد تا چهل روز نماز او در درگاه حق تعالی پذیرفته نمی شود.

۲- مستجاب نشدن دعا:

در حدیثی قدسی خداوند می فرماید:

«فمنك الدعاء و على الاجابة فلا تحجب عنى دعوة إلا دعوة أكل الحرام»(٦), از شما دعا کردن و از من اجابت آن، پس هیچ کس از اجابت من محروم نمی شود، مگر شخص حرام خوار.

۳- قساوت قلب و عدم پذیرش حق:

در جریان واقعه عاشورا امام حسین «علیه السلام» خطاب به لشکر یزید چنین فرمود:

«فقد ملئت بطونکم من الحرام و طبع علی قلوبکم» (۷)، شکم هایتان از حرام پر شده و قلب هایتان از پذیرش حق گریزان شده است.

۴- دوری از خدا:

امیر بیان علی «علیه السلام» می فرماید:

«من أدخل بطنه النار فأبعده الله» (۸)، کسی که در درون آتش (مال حرام) بریزد، خداوند او را از خود دور می کند.

۵- متزلزل شدن عبادات:

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» می فرماید:

«العبادة مع اكل الحرام كالبناء على ارملة» (۹)، عبادت کردن با حرام خواری، همچون بنا کردن بر روی خاک سست است، و روشن است که چنین بنایی با اندکی لرزش، واژگون می شود.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که اثرات ذکر شده برای خورنده و مال حرام، ممکن است به گناهان دیگری چون دزدی و غیبت و... هم بیانجامد. در هر حال خوردن مال حرام از گناهان کبیره ای است که هم به حق الله تصرف و تجاوز شده و هم به حق الناس و چون به حق دیگر ظلم و تعدی شده تا صاحبان مال، رضایتشان جلب نشود هرگز خداوند این چنین انسانهایی را نمی بخشد، اگر چه به ظاهر توبه و استغفار کنند.

پی نوشت ها:

۱. آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم، مکتب الاعلام الاسلامی، ح ۸۱۰۲.
۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، ج ۷۳، ص ۴۹.
۳. عروسی حویزی، عبد علی جمعه، نور الثقلین، اسماعیلیان، ج ۵، ص ۵۱۳، ذیل آیه ۱۴ مطففین.
۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۳۰.

٥. همان، ج ٦٣، ص ٣١٣.

٦. ابن فهد حلي، عدۀ الداعي، مؤسسه معارف اسلامي، چاپ اول، ١٤٢٠ هـ
ص ١٧١.

٧. مجلسي، بحار الانوار، همان، ج ٤٥، ص ٨.

٨. مجلسي، بحار الانوار، ج ٤٠، ص ٣٤٠.

٩. مجلسي، بحار الانوار، ج ١٠٠، ص ١٦.